



آب را گل نکنیم

امید اوتق

اشاره:

انگیزه نگارش این مقاله، مطلبی است با عنوان «با داس و چکش می‌رقصد» که در ستون اخبار ویژه روزنامه کیهان مورخه ۸۱/۱۰/۱۷ به چاپ رسیده است. از آنجا که امیدی به چاپ این مطلب در آن روزنامه نمی‌رفت، به هفته نامه وزین گرگان امروز ارسال می‌گردد، که اگر قبول افتد به چاپ و طبع برسانند:

گاه چالش‌های ذهنی، برخی افراد را آنقدر گرفتار می‌نماید، تا یکسره پرده جهل بر روی واقعیت‌های کنونی جامعه و افراد می‌کشند و اشباح گذشته را عیان و وارد نبردهای ذهنی بی‌حاصل می‌شوند. در جامعه ترکمن بعضاً افرادی یافت می‌شوند که زیستن در دنیای دن‌کیشوتی را پیشه می‌نمایند. درگیری با چنین افرادی، در صورت غلبه نیز، فتح و ظفری نداشته و تماشاگر عاقلی، برایش هورا نخواهد کشید.

بیش از دو دهه از شب «داس و چکش» که بر فضای فکری جوانان جامعه ترکمن مستولی گشته بود، می‌گذرد. اکنون اندک کسانی یافت می‌شوند که، خاطره خوشی از تولد چنان نوزاد نارس به یاد داشته باشند. جامعه‌ای که گرفتار انواع معضلات است، از مرور خاطرات شب‌آلود گذشته، طرفی نخواهد بست. و به صحنه آوردن این‌گونه نزاعهای ذهنی که انگیزه‌ای جز نزاعهای فردی پشتوانه آن نبوده - هزینه‌های بی‌شماری را بر جامعه اقلیت‌های قومی-سذھی تحمیل خواهد نمود. چنان که در گذشته نیز، در توهم تولد دوقلوی نارس «داس و چکش»، چه استعدادهای جوانی که سرمایه مملکت و جامعه

بودند، قربانی فضای سیاسی-امنیتی حاکم بر آن روزها گشتند.

و اکنون در فضای منبعث از جنبش اصلاح‌طلبی که نوزاد شایسته‌سالاری و مردم‌مداری را در گهواره خود لالایی می‌کند، دامن زدن دوباره بر مسائل سوخته، دست رد بر نویت شایستگان می‌نهد. و کارآیان و نخبگان را دچار یأس و بی‌خونی و کم‌رمتی نموده، به سراغ راههای معیوب رهنمون خواهد کرد.

آری، جامعه ترکمن، در زمین پرسنگلاخی از مشکلات واقعی زندگی می‌کند. جامعه‌ای که جوانانش در فضای فاقد شغل و تفریح و نبود اشتغال و همچنین بیکاری مزمن دچار سرگیجه شده، نه تنها با فضای «داس و چکش» فرسخها فاصله گرفته‌اند، بلکه می‌روند که دریند واقعیت‌ها و معضلات خانمانسوز اعتیاد، بیکاری و انواع بی‌بندوباری‌ها بیافتند. بیانییم فکری برای جامعه‌ای که فقر فرهنگی-اقتصادی آن، هر روز فربه‌تر می‌شود، بکنیم و بدون اینکه فضا را غبارآلود کرده باشیم، روزنه‌های امید را به روی جامعه نبندیم و با فراهم آوردن شرایط امن، کردارها و شایستگی‌های جامعه خود را به محکمه و داوری ببریم، نه شعارهای بدون پشتوانه را، که دیگر خریداری ندارد.

بیانییم جدالهای فردی و گروهی را فروگذاشته، رقابتی هم‌جهت را شکل داده، و برای به کرسی نشاندن شایستگی‌ها و کارآمدی‌هایمان کورس ببندیم، تا تماشاگران واقعی را در میان جامعه خود به عنوان پشتوانه اقدامات عملی و دغدغه‌های فکری خودمان یافته، فکری برای رهایی از حلقه فرورفته بیکاری و فقر و فلاکت فرهنگی و اقتصادی جامعه نموده، گامی در جهت حل معضلات آن برداریم، و از بستر جاری فرصت‌ها، آینده مطلوب جامعه‌مان را جستجو کنیم. پس بگذاریم راه آنانی را که با انباشت تجربیات، به پالایش روش‌ها و رفتارها پرداخته‌اند، باز نماییم. باشد، فرایند دمکراسی و حقوق شهروندی، که در حال تجربه‌اش هستیم، در جامعه ما نهادینه شود.